

بررسی تأثیر عناصر ساختاری نگارگری اسلامی بر سینمای جهان

چکیده

در این پژوهش ساختار بصری چند اثر نگارگری ایرانی بررسی و تحلیل شده است که فضایی را تصویر کرده‌اند که نزدیک به برخی از تکنیک‌های سینمای جهان است. تکنیک‌های هنر و سبک‌های سینمایی دو مسئله به هم پیوسته‌اند که در این پژوهش در راستای نگارگری ایرانی با توجه به بیان اهمیت موضوع به کارگیری تکنیک‌های نگارگری در سینما، به بررسی و شناخت هم‌زمانی، تصویرسازی به جای واقعیت‌پردازی، عدم بازتاب عواطف در چهره‌ها، و نگاه خیره سوژه به چشم ناظر پرداخته می‌شود. این پژوهش سعی دارد که برای عموم علاقه‌مندان به رشته سینما و نقاشی و تمام کسانی که به نوعی به مسئله خلاقیت در هنر می‌اندیشند، با نگاهی موشکافانه‌تر به مسئله کاربرد تکنیک‌های نگارگری در سینما، بپردازد. در این بررسی و پژوهش، از روش تجزیه و تحلیل یافته‌ها و داده‌ها، با کیفیت چند و چونی و بازیافت جزئیات برآمده از سه فرآیند درهم تافته وصف (چیستی) ارزیابی (چگونگی) و تحلیل (چرایی) استفاده شده است. با این روش استقرایی و رویکرد علمی، تصویری کل نما از تکنیک‌های نگارگری و سینما فراز آمد.

اهداف تحقیق:

۱. بررسی برخی از عناصر ساختاری نگارگری ایرانی و تفسیر و ضوابط حاکم بر آن‌ها در آثار تنی چند از نگارگران ایرانی.
۲. بررسی کیفیت چند و چونی و بازیافت جزئیات برآمده از سه فرآیند درهم تافته وصف.

سوالات پژوهش:

۱. عناصر ساختاری نگارگری ایرانی و تفسیر و ضوابط حاکم بر آن‌ها در آثار نگارگری چگونه است؟
۲. کیفیت چند و چونی و بازیافت جزئیات برآمده از سه فرآیند درهم تافته وصف چگونه است؟

کلیدواژه‌ها: نگارگری ایرانی، سینمای جهان، نگاه خیره، هم‌زمانی، عدم بازتاب عواطف

تاریخ سینما پر از تلاش و درگیری برای پیشرفت و تحول بوده است. با وجود گذر از دوران کلاسیک، مدرن و پست‌مدرن، همچنان هنری جوان و نو است که با وام‌گیری از هنرهای دیگر به حیات خود ادامه می‌دهد و در این میان، جنبه‌های زیبایی‌شناسی و به‌کارگیری از فن‌های نقاشی در هنر سینما، نقش مهم‌تری را ایفا می‌کند. از سوی دیگر، رویکرد شرقی برخی از نقاشان مدرن جهان، سینمای مدرن را نیز تحت‌تأثیر خود قرار داده است؛ در این میان، همچنین شگردهای نگارگری ایرانی (بدون ذکر نامی از نگارگر ایرانی) به چشم می‌آید. شناخت فن‌های منحصربه‌فرد نگارگری ایران و بررسی عناصر مؤثر آن در فیلم‌های سینمای مدرن جهان، این پژوهش را فرایندی علمی و عملی می‌کند که در آن باتوجه‌به میزان استعداد و توانایی نگارگر ایرانی، تلاش می‌کند مفاهیم جدیدی را از فیلم‌های سینمای جهان استخراج کرده و به مخاطب ابلاغ کند. این مهم نه‌تنها ارزش والا و تأثیر غیرقابل‌انکار نگارگری ایرانیان را در فیلم‌های جهان به نمایش می‌گذارد بلکه به معرفی بسیاری از فن‌های به‌کار گرفته نشده در سینما نیز می‌پردازد.

در این میان، تأویل هستی در افق زمان در فیلم‌ها که در نگارگری ایرانی به‌خصوص در مکتب هرات به‌کرات تفسیر و به شیوه هم‌زمانی، خود را نمایان کرده است، به‌همراه فن نگاه خیره‌سوژه به چشم‌ناظر و عدم بازتاب عواطف در چهره‌ها، بخش عمده‌ای از این پژوهش را به خود اختصاص می‌دهد. در این نوشتار نگارگری ایرانی در ساحت زیبایی‌شناسی و در روندی تاریخی موردبررسی اجمالی قرار می‌گیرد. از آنجایی که این هنر دارای فن‌های منحصربه‌فردی هست، مطالعه تعامل آن با هنر سینمای جهان نیز از اهداف این پژوهش قرارگرفته است. موازی‌بودن فن‌های نگارگری ایرانی و مکاتب نگارگری و نیز ارتباط تنگاتنگ این مکاتب با فن‌های سینمای پساکلاسیک، از مسائل این مطالعه هست. در راستای نیل به هدف تحقیق، ابتدا نگاهی اجمالی به هنر نقاشی ایرانی انداخته و سپس با مختصر توضیحی درباره فن‌های سینمایی، مبانی و مفاهیم فن‌های نگارگری در سینمای مدرن و پست‌مدرن تفحص می‌شود.

فرضیه اصلی این پژوهش این است که نسبت مستقیمی بین نگارگری ایرانی و سینمای جهان وجود دارد و برخی از فن‌های نقاشی و نگارگری به‌روشنی در سینمای جهان به چشم می‌آید که با بررسی و مقایسه شناخت این عناصر قابل تبیین هست.

۱) با شناخت و بررسی اصول و فن‌های نگارگری ایرانی همچون هم‌زمانی، تصویرسازی به‌جای واقعیت‌پردازی، عدم بازتاب عواطف در چهره‌ها، و نگاه خیره‌سوژه به چشم‌ناظر، می‌توان آن را در جهت ارتقاء زبان هنری و بصری سینما استفاده کرد.

۲) یکی از فن‌های مهم و درخور توجه نگارگری ایرانی، هم‌زمانی است و هنرمند ایرانی برای ایجاد هم‌زمانی در نگاره‌های خویش از تمهیدات بصری گوناگونی بهره‌جسته است تا به نتیجه موردنظر خود برسد که با بررسی و پژوهش ویژگی‌های این فن و مقایسه آن با هم‌زمانی در سینمای جهان، می‌توان از آن بهره‌جست.

۳) فن نگاه خیره‌سوژه به چشم‌ناظر از ابتدای نقاشی قاجار اول از ضابطه‌های اصلی آموزش هنر نقاشی به نقاشیان بوده است. باگذشت زمان و بسط و غنای نقاشی ایرانی در جهان، سینماگران نیز بر این شیوه تمرکز یافتند و آن را همچون فنی به جهت فاصله‌گذاری، قوام و دوام بخشیدند. این شیوه در آثار آوانگاردها شالوده‌ای محکم پیدا کرد به‌طوری‌که در سینمای دوران مدرن با درخشش چشمگیر جلوه یافت.

۴) ابتکارات و فن‌های عجیب و جذاب ایرانیان در حقیقت قبل از پژوهش و فهم خودشان، توسط اروپاییان همچون سران و یا هانری ماتریس مورد بررسی قرار گرفته و در آثار خودشان از آن‌ها بهره‌برداری کردند. درک میانی رنگ، کادربندی و از همه پیچیده‌تر، مقوله دخالت بعد چهارم در نگارگری ایرانی در مکتب هرات در آثار کمال‌الدین بهزاد به اوج خود رسیده بود که چهارصد سال بعد در نقاشی اروپا در مکتب کوبیسم مطرح شد. سینماگران جدید جهان به روشنی اظهار دارند که از آثار نقاشانی چون ماتریس یا سران الهام گرفته‌اند؛ یعنی به‌گونه‌ای از آثار نگارگران ایرانی بهره جستند.

در این پژوهش فن‌های نگارگری مورد بررسی قرار می‌گیرد و شرایط و فضا جهت بازیافت آن در مدیوم‌های مختلف به‌خصوص در سینما بررسی می‌گردد. در ادامه به بررسی کاربرد زمان، نگاه خیره سوژه به چشم ناظر و عدم بازتاب عواطف در چهره‌ها در نگارگری پرداخته می‌شود و جنبه‌های مختلف از به‌کارگیری آن در سینما مورد بررسی قرار می‌گیرد. به این منظور با در نظر گرفتن نگاره‌های ایرانی، این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی به این موضوع می‌پردازد و داده‌ها از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و میدانی جمع‌آوری خواهد شد.

نتیجه‌گیری

نگارگر ایرانی با دوری از بازنمایی عین به‌عین مادی و ظاهری عناصر همچون عدم نمایش تأثیر منبع نور موضعی، عدم وجود سایه، حفظ خلوص رنگ‌ها، به ماده از طریق بیان حقیقت آن در عالم مثال، شرافت می‌افزاید. کوچک کردن و کم‌اهمیت کردن پیکره‌های انسانی نیز به دلیل عدم دخالت در خلق خالق متعال در تصویر به چشم می‌آید؛ چراکه خداوند به بهترین و کامل‌ترین وجه انسان را آفریده است. این مهم در عدم بازتاب عواطف در چهره نیز نمود می‌یابد که در سینمای اگزیستانسیالیستی نیز آشکارا جلوه کرده است.

نمادین کردن چهره انسان در تصاویر نیز، بر رابطه با مفهوم عواملی انسان استوار است. مفهوم زمان و مکان انتزاعی به‌عنوان یکی از ابزارهای نگارگر ایرانی است که هرگز از ذهن انسان جداشدنی نیست. نگاه اومانستی و پرسپکتیو این حق را از هنرمند سلب می‌نماید تا بتواند عنصری را از زاویه‌ای به تصویر درآورد که مناسب‌تر است اما این محدود بودن به عالم ماده در نگارگری به چشم نمی‌آید و نگارگر ایرانی رها از هرگونه وابستگی به سبک‌های مختلف نقاشی‌های واقع‌گرا، آن زاویه‌ای را بر یک از عناصر تصویر خود به‌گونه‌ای هم‌زمان بر می‌گزیند که مناسب‌ترین جهت بیان تمامی ویژگی‌های خود باشد. هم‌زمانی در سینما نیز با شیوه‌های مختلف روایت به‌خصوص روایت تقسیم قاب تفحص شد.

افزون بر این‌ها، بررسی نگاه خیره سوژه در نقاشی ایرانی و سینما به چشم ناظر نیز تتبع آثار نقاشی نیمه اول قاجار از ملزومات بود. ویژگی‌های این آثار و فن نگاه خیره سوژه به چشم ناظر که جملگی در آثار نقاشی‌های قاجار اول و سینمای بسا کلاسیک، آشکارا جلوه می‌نمود، تفحص شد. نتایج حاصله، به‌ویژه در مورد عدم بازتاب عواطف، هم‌زمانی و نگاه خیره سوژه به چشم ناظر حاکی از آن بود که بین سبک‌های نوین آوانگارد در سینمای جهان و نگارگری ایرانی، تعاملی ویژه، در کار بود. مهم‌ترین برآمد و نتیجه از شباهت نقاشی‌های ایرانی، پیدایش فن‌هایی است که از ترکیب دستاوردهای هنری ایرانیان در هنرهای دیگر به‌خصوص در سینما، فراز آمد.

منابع و مأخذ:

- بورکهارت، تیتوس. (۱۳۷۶). هنر مقدس. ترجمه: جلال ستاری، چاپ دوم، تهران: انتشارات سروش.
- پاملو، ویلیام سی. (۱۳۹۵). سینمای آگزیستانسیالیستی. ترجمه: نصراله مرادیان، چاپ چهارم، تهران: نشر بیدگل.
- پاکباز، رویین. (۱۳۷۸). دایره‌المعارف هنر. تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- تجویدی، اکبر. (۱۳۷۵). نگاهی به نقاشی ایرانی (از آغاز تا قرن دهم هجری). تهران: فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- رسولی، زهرا. (۱۳۸۳). زیبایی‌شناسی آثار کمال‌الدین بهزاد. مجموعه مقالات. تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
- سرف، ژولیت. (۱۳۹۴). سینما و فلسفه. ترجمه: عظیم جابری، تهران: انتشارات افراز.
- کرین، هانری. (۱۳۷۳). تاریخ فلسفه اسلامی. ترجمه: جواد طباطبایی، تهران: انتشارات کویر.
- کنبی، شیلا. (۱۳۸۱). نگارگری ایرانی. مترجم: مهدی حسینی، تهران: مطالعات هنر اسلامی.
- نجفی، صالح. (۱۳۹۶). فیلم به‌مثابه فلسفه: حرکت اشتباه، چاپ دوم، تهران: نشر لگا.
- نصر، سید حسین. (۱۳۷۵). هنر و معنویت اسلامی. ترجمه: رحیم قاسمیان، تهران: دفتر مطالعات دینی هنر.
- ولش، استوارت. (۱۳۷۰). «ویژگی‌های نقاشی ایرانی. نگاره». ترجمه نسرين هاشمی، (۲)، ۴۶-۵۳.
- Antonioni, M., & Marga Cottino-J. (۱۹۹۶). *The Architecture of Vision: Writing and Interviews on Cinema*. Editing by Carlo Di Carlo and Giorgio Tinazzi. New York: Marsilio Publishers.
- Deleuze, g. (۱۹۸۹). *Cinema ۲; the Time-Image*, Trans. Hugh Tomlinson and Barbara Habberjam, the Athlon Press, London.
- Prince, J. (۲۰۰۰). "On Narratology" in *Narrative Reader*. Martin Macquillan. London and New York : Rautledge.
- Ricour, p. (۱۹۸۰). *Narrative Time*. *Critical Inquiry*. ۷. pp. ۱۶۹-۱۷۶.